

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

جلوه نمایی عشق زمینی در کلید واژه های شعری سهراب سپهری و نزار قبانی

محسن دولتی ۱

سید بهمن جعفری ۲

سکینه بهادر شجاعی ۳

چکیده:

در این مقاله سعی می شود تا با روش بررسی تطبیقی و مقایسه ای ، موضوع عشق زمینی و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب (سهراب سپهری - نزار قبانی) به تصویر کشیده شود و در دید معرض دید افکار عمومی با سلايق مختلف قرار گیرد . تصویری که از جایگاه زن در شعر شاعران معاصر ارائه شده است بیشتر بیانگر ادامه همان تصاویر تکراری و تقلیدی شاعران شعر کهن بوده که زن را در قالب یک معشوقه زمینی و در کلیشه های جنسیتی و در همان قالب های سنتی ستوده است . در این میان شاعران معاصر ایران و عرب همچون نزار قبانی و سهراب سپهری تنها به بعد جسمانی زن توجه نکرده و در کنار جسم زیبایی زن ، روح بلند و والای زن را تحسین کرده و تمام تلاش خود را در راستای اعتلای شخصیت زن به کار برده است . نزار قبانی در شعر خود زن را موجودی برتر و مقدس می داند . از دیدگاه نزار قبانی زن جزء لاینفک جدا نشدنی شعر می باشد که موسیقی شعر را در پژواک زن جستجو می کند . نزار قبانی در میان شاعران عرب به شاعر عشق و زن شهرت یافته است . زن گاهی به عنوان زن و گاهی به عنوان معشوق آسمانی و گاهی در هیبت موجودی کاملا زیبا و شایسته ی دوستی و دوست دارندگی در شعر نزار بروز و ظهور می یابد . زن در شعر شاعران معاصر ایرانی همچون سهراب سپهری دارای روح بزرگ و مقدسی ست که زن را بر سایر افراد برتری می دهد و می کوشد که زن را در اجتماع در اوج و در جایگاه حقیقی خود نشان بدهد . نگاهی که اکثر شاعران به مقوله عشق و زن دارند همان سنتی ست و ادعاهای آنان بیشتر از عمل در احساس شاعرانه بروز یافته و با تکیه بر مسند مردانه و از جایگاه مرد و غرور مردانه با حس برتر بینی نگاه فرومایه ای به زن و عشق او داشته و این عشق لاینفک را به زن در راستای منافع خود از دید یک زن بروز داده اند . صدقینی یا سیدتی ... انا و کل الرجال کاذبون (نزار قبانی)

واژه های کلیدی : زن ، عشق ، اجتماع ، شعر معاصر

۱- دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زنجان

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد زنجان

۳- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد زنجان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه :

این مطالعه و مقایسه به روش تطبیقی و به شیوه اسنادی کتابخانه ای انجام شده است و شعر های شعرای معاصر ایران و عرب در مورد مفهوم عشق ، زن و معشوقه در لسان شاعران معاصر ایران و عرب مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است .

عشق به زن از متعالی ترین احساس مشترک روح انسان هاست که به عنوان یکی از مضامین جاویدان شعری در ادبیات تمام ملل جهان و در همیشه ی روزگاران حضور داشته است . نمی توان ادبیات و شعر را بدون حضور زن تصور کرد چرا که اگر این مضمون والا از شعر و ادبیات کنار گذاشته شد چیزی جز توصیف و تحلیل های صرف تاریخی و اجتماعی و سیاسی و عامیانه چیز دیگری از ادبیات بر جا نمی ماند . شاعر معاصر را نمی توان پیدا کرد که در اشعار خود به نحوی به بحث زن پرداخته باشد و در مورد عشق زن قلم سرایی نکرده باشد . هر چند کیفیت و کمیت پرداخت شاعران به زن و عشق او متفاوت بوده ولی در کل مقوله ی زن در هر زمان و تاریخ یکی از مباحث اصلی شعر شاعران معاصر عرب و ایرانی بوده است . در این مقاله خصوصیات و ویژگی های بارز زن در اشعار شاعران معاصر عرب و ایران زمین به تصویر کشیده شده است . با بررسی تطبیقی و مقایسه ای این مطلب تفاوت و شباهت و کیفیت و کمیت های اشعار آن به دید افکار عمومی از سلايق مختلف گذاشته شده است .

. پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه به روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه ی مضامین عاشقانه و توجه به زن به عنوان معشوق زمینی در اشعار شعرای معاصر ایران و عرب بپردازد ، در این مقاله ضمن تعریف مختصری از عشق به مضامین مشترک مشترک با عنوان زن در شعر شاعران قوم ایران و عرب با سابقه طولانی و پیوند اعتقادی و زبانی و تاریخی با ارائه های نمونه های شعری اشاره شده است . این پژوهش می نمایاند که میان دیدگاه شاعران این دو قوم نسبت به زن تفاوت ها و شباهت هایی وجود دارد . آنان عشق را سرنوشتی مختوم می دانند و نسبت به معشوق زمینی نظری ایجابی دارند . تاثیر شاعران معاصر ایران و عرب از مقوله ی زن به تجربیات شخصی گذشته ی آنها و مسائل اجتماعی و فرهنگی پیرامونی خود بر می گردد . با تامل در مضامین شعری شاعران فارسی همچون نیما یوشیج ، مهدی اخوان ثالث ، شهریار ، احمد شاملو و حسین منزوی و سهراب سپهری با شعرای عرب زبانی همچون نزار قبانی یکی از شاعران بزرگ و تاثیر گذار جهان عرب ، معروف الرضائی ، ابوالقاسم الشابی ، محسن عقیل ، جبران خلیل جبران ، نازک الملائکه ، سعاد الصباح غاده السمان ، محمد الماغوط ، عبدالوهاب البیاتی می توان به رگه هایی از مشابهت در زمینه ی زن پی برد . گر چه نوع کیفیت و کمیت عشق به زن در نگاه این شاعران با هم تفاوت دارد . عشق شعرای معاصر زن موجب خلق اولین آثار شعری و پیشرفت و محبوبیت آنان می شود . عشق به زن در اشعار نزار آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است . نزار قبانی پر نفوذ ترین شاعر معاصر عرب زن را کاملا زیبا و وزین و در اوج زیبایی های ظاهری و درونی به مخاطب معرفی می کند و زن را مظهر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زیبایی به مخاطب می شناساند. عشق به زن نخستین و اساسی ترین محور و موضوع در شعر نزار است و اولویت اول اشعارش را تشکیل می دهد. نگاه او در این قلمرو کاملا نو، زیبا شناسانه و پایه گذار اندیشه های روشن ذهن و ضمیر زن است. (قبانی، ۱۳۸۲، ۱۱) نزار هر چه باشد شاعر زن و شراب است و در این کار هم بسیار موفق بوده است به حدی که قالب ناقدان معاصر عرب او را همطراز (عمر بن ابی ربیع) بزرگترین شاعر شعرهای عاشقانه تاریخ ادبیات عرب می دانند. محور اصلی اکثر ۴۲ دفتر شعری نزار قبانی به زن و عشق اشاره دارد. (هر چند دوران شعری نزار شامل دو حوزه ی عشق و سیاست است.) در اشعارشاعر معاصر ایرانی زن مانند اشعار نزار قبانی به صورت موجودی کاملا زیبا از نظر ظاهری توصیف نمی شود و اکثرا به صورت عشق اساطیری و دست نیافتنی در اشعار آنان ظهور و بروز پیدا می کند. آنان پرداختن به زنان را مدیون فضا و شرایط خاص اجتماعی روزگار مدرن می داند. زن در اشعار شعری دو قوم از لحاظ بعد روحانی و جسمانی و شرایط روحی و روانی آن دارای نقاط مشترک هستند. هر دو تلاش دارند تا با اصالت بخشیدن به زن جایگاه او را ارتقاء دهند به زن نگاه فرا سرزمینی دارند و در جهت اعتلای فرا سرزمینی شخصیت زن شعر سرایی می کنند و نگاهشان صرفا محدود به زنان سرزمین خود نمی باشد. نزار قبانی دلیل شعر سرایی و پرداختن به زن در اشعار خود را نجات دادن زن از دست مردان جاهل قبایل عرب در زمان خود می داند. یکی از ضرورت هایی که باعث شد این مقاله به نگارش درآید معرفی و مقایسه و زوایای دید شاعران معاصر ایران و عرب راجب مقوله ی زن و عشق به معشوق می باشد و سعی شده از حوزه ی جامع شناسی ادبیات به تاثیر گذاری جامعه و نقش آنان در نظر این دو شاعر اشاره شود.

همان گونه که می دانیم ادبیات یک سرزمین دریچه ای ست که می توان از طریق آن بسیاری از مباحث اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. این موضوع یعنی شناخت مقولات اجتماعی یک فرهنگ از طریق ادبیات آن، یکی از اهداف و کارکردهای جامعه شناسی ادبیات است. (ستوده، ۱۳۷۸، ۶۳)

پیشگفتاری از شعر معاصر ایران و عرب:

پیش از هر چیز روشن شدن مفهوم شعر معاصر ایران و عرب ضروری می نماید. منظور از شعر معاصر ایران در این نوشتار تحولات شعری پس از انقلاب مشروطه و منظور از شعر معاصر عرب نیز تحولات شعری پس از عصر نهضت یا به تعبیر بهتر ((جهش ادبیات معاصر)) (عبدالجلیل، ج، م، ۱۳۷۳: ۲۶۴) می باشد. اساسا در بحث از شعر معاصر ایران، به طور خاص شعر دوران مشروطه، و در بحث از شعر معاصر عرب نیز شعر عصر نهضت فرهنگی اعراب مطرح می شود چرا که تاثیر مشروطه و نهضت به شعر معاصر ایران و عرب غیر قابل انکار بوده و علاوه بر آن مساله تغییر نگرش شاعران معاصر به زن که بن مایه اصلی این پژوهش را تشکیل میدهد از همین دوره آغاز می شود. ((شاعران معاصر در بیشتر موارد از جلوه های مشروطیت و میل به اصطلاحات اجتماعی همچون آزادی زنان الهام گرفته اند.)) (آزند

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انقلاب مشروطه که توام با ایجاد تغییرات سیاسی در حیات سیاسی اجتماعی ایران بود، در عرصه های شعر و ادب ((نیز تغییراتی به وجود آورد)) (آراین پور ۱۳۸۲: ج ۳ / ۱۰) از این زمان به بعد فرمانروایی دیر آهنگ قراردادهای کهن ادبی شکاف بر داشت و ارزش های نوین رو نهاده شد، ویژگی های جدید هستی گرفت و این ها همه حاصل تبادلات فرهنگی و انطباق پذیری فطری انسان ایرانی بوده که با دنیای مدرن هم جهت شد و در ادبیات خود اصطلاحاتی (بنیادین معمول داشت. (آژند ۱۳۸۳: ۷

این افت و خیز نوجویی در شعر و ادب ایران مقارن شده بود با آغاز نهضت نوگرایی در شعر و ادب عرب که از آغاز قرن بیستم دگرگونی های ظریف و تعیین کننده به خود می دید که می توانست شیوه های نو را بیازماید و با ظرفیتی (فزاینده با تحولات جدید و مدرن همگام شود. (اسوار، موسی: ۱۳۸۱: ۲۰ - عباس، احسان ۱۹۹۲: ۱۸

شعر معاصر ایران با اینکه در بردارنده نشانه هایی از گذشته است ولی دوره ویژه ای را در دوره بندی و تقویم ادبیات پدید آورده که انعکاسی از تحولات و دگرگونی های سیاسی و اجتماعی حیات و چشم اندازها و آرمان های ملت ایران در یکصد سال گذشته است به طوریکه ریشه در سنت های گذشته دارد و شاخه در افق های آینده می گستراند. (امین پور، ۱۳۸۳: ۳۵۰

بی شک کسی که هم ادبیات فارسی و هم ادبیات عربی را بشناسد به خوبی می داند که در صد سال اخیر آنچه در ((ادبیات فارسی اتفاق افتاده در شعر عرب نیز رخ داده است.)) (شفیعی کدکنی: شعر معاصر عرب ۱۳۸۰: ۱۵) این امر تابع شرایط فرهنگی و زیر بناهای حیات این دو ملت است. شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جهان عرب و ایران تا حدود زیادی با هم شباهت دارند و به همین علت عجیب نیست اگر از میان این شباهت ها ادبیاتی بسیار نزدیک به هم متولد شود. دوره بعثت یا تجدید که در آغاز قرن بیستم میلادی در ادبیات عرب اتفاق افتاد اگر مبالغه نباشد با ادبیات فارسی پس از انقلاب مشروطه کاملا مطابقت دارد. از این رهگذر ادبیات بوجود آمد که پیامش تجدید حیات فرهنگی است. (القضاة ۱۳۸۴، ۶۰) دکتر شفیعی کدکنی شعر معاصر ایران و عرب را از نظر تحولات ادبی هر دو زبان به دو دوره تقسیم می کند: دوره نخستین و دوره جدید: دوره نخستین دوره ای است که شاعران با حفظ سنت و نگاهداشت نظام فنی شعر قدیم، می کوشند اندیشه های تازه ای را به خصوص با توجه به نیازمندی های اجتماعی مورد بررسی قرار دهند و در شعر خویش منعکس نمایند. این دوره مشابه است با ادبیات آغاز مشروطه در ایران تا سال های مقارن ۱۳۲۰ شاعران این دوره ادبیات معاصر عرب که مشاهیر آنها عبارت اند از: احمد شوقی (مصری) بارودی (مصری) جمیل صدقی الزهاری (عراقی) از جهاتی قابل سنجش اند با شاعران دوره شاعران معاصر ایران و عرب در مشروطه ما و دوره بعد از آن مانند ادیب الممالک، محمد تقی بهار و پروین اعتصامی وجود معشوق و محبوب به دنبال مادر می گردند. شهریار در شعری به عنوان ((داغ همسر)) از دست دادن همسر را

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به مثابه یتیمی دوباره خود تلقی می کند چرا که از دست دادن همسر برای او با فقدان مادر برابری می کند. از این رو یتیمی دوباره خود را بسیار جگر سوز توصیف می کند

(همه دلسوز بود داغ عزیزان لیکن داغ همسر چه خدنگی ست که دلسوزتر است (شهریاری ۱۳۸۲: ۱۰۵۲)

در شعر معاصر عرب نیز گاهی شاعر، خسته و نا امید از همه جا قلم به دست می گیرد و با مادر خویش درد دل می کند، گویی که مادر آخرین پناهگاهی ست که می تواند به او پناه ببرد و بغض هایش را بگشاید و در نگاه بی کران آن راهی برای فردا بیابد.

اهمیت ادبیات تطبیقی در بررسی مقایسه ای مفهوم عشق در اشعار سهراب سپهری و نزار قبانی

با توجه که این بررسی از منظر ادبیات تطبیقی انجام شده جا دارد تا برای روشن شدن موضوع ابتدا تعریفی بر ادبیات تطبیقی داشته باشیم.

ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از دانش های نوپا و کارآمد است که ادبیات همه ی جهان را به عنوان مجموعه ای بهم پیوسته با وجود اختلافات ظاهری زبانی بررسی می کند. ادبیات تطبیقی یکی از ستون های نقد ادبی در عصر حاضر است که ادبیات بومی را از انزوا در آورده و در دید افکار عمومی با سلاقی مختلف قرار داده است. برخورد مناسب میان ملل های مختلف که منجر به مطالعات تطبیقی از دوره ی گذشته شد مهم ترین عاملی ست که باعث به وجود آمدن ادبیات تطبیقی گردید. ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه ی اصلی نقد ادبی در حقیقت به سنجش آثار، عناصر، گونه های ادبی، سبک ها، دوره ها و حتی شخصیت های ادبی می پردازد. ادبیات تطبیقی از این منظر همان شناخت تاریخ ادبیات جهانی ست چون هویت تاریخی دارد و تکمیل کننده ی پژوهش های تاریخ ادبیات می باشد، لذا برای ادبیات تطبیقی دو کارکرد میتوان فرض کرد، کارکرد زیباشناختی (چون در حوزه ی نقد ادبی ست) و کارکرد معرفتی (چون در زمره ی تاریخ ادبیات جای می گیرد).

به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی یعنی بررسی ادبیات ملی یک کشور در خارج از مرز های آن و نیز بررسی روابط ادبیات ملی با ادبیات زبان های دیگر و نیز سایر رشته های علوم انسانی و هنرهای زیبا مانند فلسفه، تاریخ.

از مهم ترین مولفه های ادبی که در این مقاله استفاده شده است می توان به: تاثیر و تاثر، روابط بینامتنی، مطالعات فرهنگی، نقد ادبی، تاریخ ادبی، نظریه دریافت اشاره کرد. لازم به ذکر است در خصوص نظریه ی دریافت، سوابق مطالعاتی در خصوص این دو شاعر که قبلا به قلم تحریر در مقالات و کتب مختلف در آمده است استخراج گردیده که در منابع به آن اشاره شده است. از عواملی که باعث ابداع و ترویج و پیشرفت ادبیات تطبیقی در نژاد افکار عمومی شد می توان به نقش ادبیات تطبیقی در غنی سازی و بارورسازی ادبیات خودی و آشنایی با فرهنگ ها و ادبیات و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اندیشه های دیگر ملل و کاهش تعصبات قومی اشاره کرد . از بین انواع مکاتب ادبیات تطبیقی (مکتب فرانسوی ، مکتب آمریکایی ، مکتب مارکسیستی) این مقاله و پژوهش در مکتب آمریکایی به نگارش در آمده است . در مکتب آمریکایی بر خلاف مکتب فرانسه به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تاثیر و تاثر توجهی نمی شود . آنچه در این مکتب اصالت دارد ، اصل تشابه و همانندی ست . ادبیات تطبیقی در این مکتب با نقد مدرن گره خورده است . در این مکتب ، ادبیت یک اثر ادبی مرکز توجه می باشد . منظور از ادبیت یعنی تمام ویژگی هایی که یک اثر را به اثر ادبی تبدیل می کند . لذا در بررسی و تطبیق آثار ادبی باید به میزان ادبیت آن توجه داشت نه روابط تاریخی و رابطه ی تاثیر و تاثر .

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق و مقایسه ی تطبیقی :

در انجام این طرح سعی شده است بیان نماید که عشق چه جایگاهی در ادبیات معاصر و اشعار نزار قبانی و سهراب سپهری دارد دارند و چه نگرش و نگاهی توسط شاعران دو قوم ایرانی و عربی در این مقوله حاکم بوده است و چه عواملی باعث خلق این نگرش در شعر این دو شاعر معاصر گردیده است . در این مقاله سعی بر آن است با واکاوی علل و عوامل تهدید های پشت سر گذاشته و حال حاضر به سوالاتی در این زمینه پاسخ داده شود . از آنجایی که کمتر از این نگاه به شعر معاصر ایران و عرب پرداخته شده ، ضرورت و اهمیت انجام این طرح را بیش از پیش مهم ، ملموس و بارز می نماید .

اهداف مهم و اساسی تحقیق :

مهم ترین هدف از انجام این تحقیق و بررسی ، شناخت جایگاه حقیقی زن به عنوان نماد عشق زمینی در شعر معاصر ایران و عرب (سپهری و قبانی) و شرایط اجتماعی حاکم در زمان شعرای این دو قوم از منظر سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و حاکمیتی . از دیگر اهداف این تحقیق میتوان به موازنه و بررسی شعر معاصر ایران عرب و تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر و معرفی سیمای زن در جامعه و نقش مهم زنان این دو قوم بزرگ در تغییر نگرش جامعه و حاکمیت به زن اشاره کرد .

پیشینه تحقیق :

در خصوص پیشینه پژوهش در مورد این بررسی و مقایسه ی تطبیقی باید گفت که مقاله ها و کتب مربوط به این بحث مورد مطالعه قرار گرفته و از نظریه های مکاتب ادبی از جمله نظریه دریافت در تدوین این پژوهش بهره برده شده است . همچنین این پژوهش بر مبنای تحلیلی توصیفی و با روش کتابخانه ای و اسنادی انجام شده است . در قسمت منابع و مأخذ مبسوط از منابع مورد استفاده نام برده شده است .

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روش و نحوه اجرای تحقیق :

در این پژوهش مقاله محور ابتدا داده ها را توصیف سپس آن داده ها را تحلیل ، تفسیر و بررسی می نمائیم ، بنابراین روش این پژوهش ، توصیفی تحلیلی ست و از آن جهت که بررسی موضوع زن به عنوان نماد و مولفه ی عشق و معشوقه گی در دو ادبیات فارسی و عربی به نقاط اشتراک و تاقی این موضوع در دو زبان مختلف پرداخته از روش تطبیقی دو سویه در نقد ادبی بهره گرفته است . این مطالعه و مقایسه به روش تطبیقی و به شیوه اسنادی کتابخانه ای انجام شده است .

عشق در اشعار سهراب سپهری :

مقاله حاضر به بررسی نقش عشق در آثار سهراب سپهری می پردازد . سپهری مانند بسیاری از یزرگان اب و هنر پس از مرگ بیشترین مخاطبان خود را یافته است . سهراب سپهری از آن افراد بود و قابلیت آن را داشت که به تدریج و به آرامی جایگاه خود را بیابد . زیرا راههای هنر را کشف کرده بود و آنها را پیش رو داشت . هنری که سپهری در جستجوی رسیدن به آن بود و فضایی را که اوبا عناصر طبیعت و اندیشه های ماوراء طبیعی پر می کرد حاصل نوعی گرایش عرفانی است . او روند تحول اندیشه اش را جستجو و مطالعه ی موشکافانه در چهره آدمها و مناظر طبیعت تا اجسام کسب کرده بود

در هنر همه چیز بر پایه عشق و احساس و خلاقیت استوار است و واقعیت و آنچه که باید سروده شود با توجه به زیبایی و زیبایی شناسی نقل شده اند . هنر دوستی و حسن زیبا پرستی از آغاز آفرینش با آدمی همراه بوده است . کشش همه هنرها و از جمله شعر به سوی عشق و زیبا پرستی است . بهترین شعر آن است که اندیشه نو و هدف داشته باشد دکتر پوران شجیعی در کتاب صور معانی شعر فارسی در مکتب درون نگری می گوید : ((نخستین عامل قریحه و ذوق و عواطف ، احساس گوینده است)) بدین طریق که ، شاعر به یکی از جلوه های حیات با جهان طبیعت مجذوب می شود

روح و احساس و ذهن وی مسخر آن جلوه می گردد تا آنجا که جز او چیزی در ذهن وی باقی نمی ماند در آن حال شاعر ناخود آگاه بدان جلوه رنگی خاص فروغی جاودانی می بخشد و در آن عالمی دور از جریان عادی زندگی قرار دهد. عالمی که در جهان آرزوی او وجود دارد . نه آنچنان که در دنیای خارج هست . این هیجان و انقلاب درونی محرک وی می شود می خواهد این کیفیت نفسانی را در هر قالبی که هست بریزد ، قالبی که نمودار واقعی هیجان و مبین حال و کیفین نفسانی وی باشد . این جاست که شاعر به دنبال کلمه و لفظ می رود

دانستن شکل هنری تفکر و محتوی ، مضمون و نو آوری ، فرهنگ و سنت در شعر سپهری وقتی امکان پذیر است که به مطالعه شعر پرداخته شود و به سازمان گسترده شعر توجه کامل شود . عنصر اصلی و نقطه حیاتی شعر سپهری عرفان است و تفکر و احساس او بر حول این محور می چرخد

عشق نیاز درونی سپهری است و او را وادار می سازد تا با بیرون از خویش از طریق شناخت و عرفان رابطه ایجاد کند . اما شناخت عشق آسان نیست ، به خصوص که طریق عشق دشوار و شرح آن سخت است

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دست از دامان شب برداشتم

تا بیاویزم به گیسوی سحر

خویش را از ساحل افکندم به آب

لیک از ژرفای دریا بی خبر

..که این شعر شباهت به شرح عشق در نزد مولوی دارد

در ننگجد عشق در گفت و شنید

عشق دریائست قعرش ناپدید

سپهری به همه چیز با نگاهی تازه می نگرد حتی به عشق و محبت از آنجا که امروزه همه چیز در حجاب فرو رفته است . باید همه چیز را دوباره شناخت و این شناخت باید با نگاهی محبت آمیز و توأم با عشق باشد و وقتی اینگونه شد همه چیز تر و تازه است

روی پای تر باران به بلندی محبت بردیم

سپهری مانند بسیاری از یزرگان اب و هنر پس از مرگ بیشترین مخاطبان خود را یافته است . سهراب سپهری از آن افراد بود و قابلیت آن را داشت که به تدریج و به آرامی جایگاه خود را بیابد . زیراراههای هنر را کشف کرده بود و آنها را پیش رو داشت . هنری که سپهری در جستجوی رسیدن به آن بود و فضایی را که او با عناصر طبیعت و اندیشه های ماوراء طبیعی پر می کرد حاصل نوعی گرایش عرفانی است . او روند تحول اندیشه اش را جستجو و مطالعه ی موشکافانه در چهره آدمها و مناظر طبیعت تا اجسام کسب کرده بود

در هنر همه چیز بر پایه عشق و احساس و خلاقیت استوار است و واقعیت و آنچه که باید سروده شود با توجه به زیبایی و زیبایی شناسی نقل شده اند . هنر دوستی و حسن زیبا پرستی از آغاز آفرینش با آدمی همراه بوده است . کشش همه هنرها و از جمله شعر به سوی عشق و زیبا پرستی است . بهترین شعر آن است که اندیشه نو و هدف داشته باشد دکتر پوران شجعی در کتاب صور معانی شعر فارسی در مکتب درون نگری می گوید : ((نخستین عامل قریحه و ذوق و عواطف ، احساس گوینده است)) بدین طریق که ، شاعر به یکی از جلوه های حیات با جهان طبیعت مجذوب می شود

روح و احساس و ذهن وی مسخر آن جلوه می گردد تا آنجا که جز او چیزی در ذهن وی باقی نمی ماند در آن حال شاعر ناخود آگاه بدان جلوه رنگی خاص فروغی جاودانی می بخشد و در آن عالمی دور از جریان عادی زندگی قرار دهد. عالمی که در جهان آرزوی او وجود دارد . نه آنچنان که در دنیای خارج هست . این هیجان و انقلاب درونی محرک وی می شود می خواهد این

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کیفیت نفسانی را در هر قالبی که هست بریزد ، قالبی که نمودار واقعی هیجان و مبین حال و کیفین نفسانی وی باشد . این جاست که شاعر به دنبال کلمه و لفظ می رود

دانستن شکل هنری تفکر و محتوی ، مضمون و نو آوری ، فرهنگ و سنت در شعر سپهری وقتی امکان پذیر است که به مطالعه شعر پرداخته شود و به سازمان گسترده شعر توجه کامل شود . عنصر اصلی و نقطه حیاتی شعر سپهری عرفان است و تفکر و احساس او بر حول این محور می چرخد

عشق نیاز درونی سپهری است و او را وادار می سازد تا با بیرون از خویش از طریق شناخت و عرفان رابطه ایجاد کند . اما شناخت عشق آسان نیست ، به خصوص که طریق عشق دشوار و شرح آن سخت است

دست از دامان شب برداشتم

تا بیاویزم به گیسوی سحر

خویش را از ساحل افکندم به آب

لیک از ژرفای دریا بی خبر

که این شعر شباهت به شرح عشق در نزد مولوی دارد در ننگد عشق در گفت و شنید

عشق دریائست قعرش ناپدید

سپهری به همه چیز با نگاهی تازه می نگرد حتی به عشق و محبت از آنجا که امروزه همه چیز در حجاب فرو رفته است . باید همه چیز را دوباره شناخت و این شناخت باید با نگاهی محبت آمیز و توأم با عشق باشد و وقتی اینگونه شد همه چیز تر و تازه است

روی پای تر باران به بلندی محبت بردیم

عشق در جهان بینی سپهری یعنی گرفتار و مبتلا شدن ، در مراحل سیر و سلوک عرفا ، عشق یکی از مراحل است که بعد از طلب قرار گرفته است یعنی ابتدا در ما (عاشق) طلب ، نسبت به چیزی حاصل می شود و سپس دچار آن می شویم و آن را با تمام وجود می پرستیم

چرا گرفته دلت

مثل آنکه تنهایی

چقدر هم تنها

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

خیال می کنم

دچار آن رگ پنهان رنگ ها هستی

دچار یعنی

عاشق

در ادامه جهان بینی سهراب سپهری که عشق و عرفان زیر بنا و شالوده آن است باید گفت تفکری که سپهری دارد سعی می کند با عشق و محبت همه چیز را با هم آشتی دهد. و در طبیعت یک هماهنگی و تعادل بوجود آورد و آنچه را که نیست بوجود آورد. و در این قرن ماشینی و نفرین شده از عشقی صحبت می کند که نشان از سرسبزی و صمیمیت داشته باشد

صدا کن مرا

صدای تو خوب است

صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است

. که در انتهای صمیمیت حزن مروید

از مترادفات عشق که در شعر سپهری وجود دارد، تنهایی است که در چنین مواقعی آرزو می کند

کاش تنهایی به وسیله ای تازه شود

در زندگی هنری هر شاعر فراز و نشیب هایی وجود دارد که این حاکی از روح موج و متلون و زندگی و اندیشه نا آرام او می باشد و تا بخواهد نشان دهد که اندیشه هایی در سر دارد مدت ها طول کشید

نفس آدم ها در کتاب مرگ رنگ، تمام اشعار را سایه ای از وحشت، تنهایی، صبر و اضطراب پر کرده است

سرسبز افسرده است

روزگاری است در این گوشه پژمرده هوا

. هر نشاطی مرده است

مرگ رنگ (۱۳۳۰) و زندگی خواب ها (۱۳۳۲)، سهراب سپهری را در جرگه جویندگان شعر نوی نیمایی جای می دهد. سپهری با آوار آفتاب پایه مکتب تصویر سازمان را می گذارد و بالاخره با صدای پای آب (۱۳۳۴) و حجم سبز (۱۳۴۶) مکتب عرفان گرایان را بوجود می آورد

با این وجود بارقه های طلب در وجود سپهری موج می زند و با هر زبان به هر دری می زند تا دیدگانش به چیزهایی روشن شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عشق در اشعار نزار قبانی :

نزار قبانی در میان شاعران عرب به شاعر (عشق و زن) شهرت یافته است. زن در شمایی کاملاً خاص و ملموس در اشعار نزار قبانی تجلی دارد. زن گاهی به عنوان زن، گاهی به عنوان معشوق آسمانی و گاهی در هیبت موجودی کاملاً زیبا و شایسته‌ی دوستی و دوست داشتنی در کلام نزار قبانی بروز و ظهور می‌یابد. ادونیس در باره‌ی شعر نزار قبانی می‌گوید: (آنچه موجب جنجالی شدن شعر نزار قبانی در جهان شده است. برداشت و درک مخاطبان شعر اوست و همین امر باعث شده است تا قبانی بتواند جایگاه واقعی خود را در شعر معاصر پیدا کند. نزار قبانی بزرگترین عاشقانه سرا و شناخته‌ترین شاعر معاصر عرب در جهان می‌باشد. به قول شفیعی کدکنی، هیچ شاعر نوین یا نوپردازی به اندازه‌ی نزار قبانی در میان عموم دوست داران شعر نفوذ نداشته و ندارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹، ۱۱۳). در اشعار نزار قبانی عشق او به زن موضوعیت دارد. عاشقانه سرایی او در حوزه‌ی زنان بازتاب همه‌ی زوایای ذهنی و ظریف زیبایی‌شناسی و روان‌شناختی و دیدگاه‌های شرقی اوست. عشق به زن محوری‌ترین موضوع شعری اوست و نگاه او در این زمینه نو، بدیع و زیباست. در اشعار او بیش از هر چیز جرات، بی‌پروایی در اختیار گرفتن مضامین بکر بی‌سابقه زیبایی‌شناسی و استعاره‌ها و شکوه تصویر محسوس است. و این هم در زبانی بسیار نرم و شیوا و همواره سهل و ممتنع و در وزن موسیقی روان القا می‌شود. نزار قبانی به صورت ذاتی شاعر سرشته شده و قدرت نقاشی با کلمات و به بردگی کشاندن لغات و اصطلاحات عربی را دارد.

رسایی این مضامین عاشقانه تنها از وسیله کارآمدی چون زبان شعری نزار قبانی بر می‌آید که به زبان گفتار نزدیک و از مفاهیم و عناصر فرهنگ عامه سرشار است. به گفته دکتر شفیعی کدکنی در شعر معاصر عرب: نزار قبانی را شاعر زن و شراب می‌شناسند و چنین بیان می‌کند: شاید این عنوان برای بسیاری از خوانندگان رنگی از نوع ریشخند و استهزا داشته باشد اما این حقیقتی است که او هیچ‌گاه منکر نشده است و با کمال شهامت از این خصیصه‌ی شعری دفاع می‌نماید. اگر چه در سال‌های بعد از جنگ اعراب و اسرائیل نزار گرایش به شعر سیاسی نشان داد اما جان و جمال اصلی شعر او همان عاشقانه‌های اوست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹، ۱۱۴)

نزار قبانی یکی از رقیق‌ترین و لطیف‌ترین زبان‌های شعری را که در مرز زبان وحشی شعر مدرن و زبان ایستا و کلیشه‌وار قدیم قرار دارد برگزیده و با این زبان به وصف حالات عاشقی خود و توصیف تاملات خود در باب زن پرداخته است

زن در نزد نزار موجودی کاملاً برتر و مقدس است او زن را سرچشمه‌ی آفرینش و زایش و روح حیات و زندگی می‌داند نزار تعریف و تفسیر زن را امری محال و در حکم مرگ معنای واقعی آن می‌پندارد. او در باره‌ی ماهیت زن می‌گوید: سوال ... لا ارید له جوابا ... لان تفسی الاشیاء الجمیله یقتلها (اسوار، ۱۳۸۳، ۳۴۶) سوالی است که هرگز قصد پاسخ گفتن به آن را ندارم، چرا که هستند چیزهایی زیبا که جواب دادن در حکم قتل آنهاست. نزار قبانی زن را جزء لاینفک جدا نشدنی شعر می‌داند. نزار موسیقی شعر را در پژواک صدای زن جستجو می‌کند. عشق از جمله به معشوق و زن قسمت اعظم آثارش را در بر می‌گیرد. از این زاویه می‌توان نزار قبانی را شاعری فمینیست در قرن حاضر ذکر کرد. او در اشعار عاشقانه‌ی خود در حوزه زن مشکلات زن را در جامعه عرب به نقد می‌کشد و در صدد کرامت بخشیدن به زن می‌شود و با این نگاه که زن موجودی قابل احترام است و باید در جامعه به جایگاه درخورشان برگردد شعر سرایی می‌کند. نزار قبانی معتقد است وجود زن است که باعث شده تا مرد به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اندیشیدن وادار شود و فقط به هوا و هوس زودگذر فکر نکند ، بلکه به جنبه های معنوی انسان بیندیشد . ناقدان شعر عرب معاصر بر این باورند نزار قبانی از زن و عشق زن شعر سرایی کرد تا زنان را از چنگ مردان جاهل قبایل عرب نجات بخشد

علمنی حبک ان الحزن و انا محتاج غند عصور

لا امراه تجعلنی احزن لامره آبکی بین ذراعها مثل العصفور

(قبانی، ۷۰۱)

بسیاری از بزرگان ادبیات عرب بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد نزار قبانی ، مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست ، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زند ، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های عربی معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی ، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند . نزار قبانی همچون احمد شاملو عشق مخصوصا عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود ، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود . عشق به زن از دیدگاه نزار قبانی و احمد شاملو لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی ست ، همچنین احساس عمیق ، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای در زن ظهور کند . گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود . جمعی از محققان انسان شناس و نژاد شناس آمریکایی طول مدت عشق را سه سال قلمداد نموده اند و باور دارند این حس زبان سه سال دوام دارد . طول مدت عشق دیوانه وار هم ۷ ماه است و بعد از شدت آن کاسته می شود .

نزار قبانی معتقد است زنانی که در شعریت او تاثیر گذاشته اند و سبب سرایش شعری به مناسبت حضور خود داشته اند بسیار اندک است . او در کتاب داستان من و شعر به روشنی به این مسئله اشاره کرده و می گوید : ((زنانی که در من اثری کرده اند و در باره ی آنان شعری سروده ام قلیل و کم هستند . اینچنین نیست که هر زنی که با او رابطه ای داشته ام ، سبب هیجان طبع شعر من شده و هر دوستی با زنی ، رغبت مرا به شعر سرودن انگیزته باشد . بسیاری زنان از زندگی من همان طور که آمده اند ، خارج شده اند و پشت سر خود یک حرف یا یک (ویرگول) بجا نهاده اند .)) (یوسفی ، بکار ، ۱۳۵۶ ه. ش ، ۱۲۸)

نتیجه گیری :

نتیجه ای که از مقایسه ی تطبیقی و بررسی جلوه نمایی مفاهیم عشق زمینی در لسان شاعران معاصر ایران و عرب (سهراب سپهری و نزار قبانی) به دست می آید این است که با دقت در زندگی شاعران نام آور این دو قوم بزرگ می توان به رگه هایی از مشابهت ها در زمینه ی مضمون زن و عشق و معشوق زمینی پی برد . گر چه نوع کیفیت و کمیت عشق و معشوق زن در هر دو شاعری با همدیگر تفاوت دارد و زمینه های عشق به زن در شعر هر دو شاعر خودنمایی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می کند و این منجر به آفرینش های آثار شعری و پیشرفت های آنان در شعر و اجتماع می گردد . این عشق همانند آتش زیر خاکستر در لابلای اشعارشان پنهان بود و هر ازگاهی خود نمایی می کرد . عشق پنهانی و درونی و البته بسیار عمیق تر و شدید تر و در اشعار شاعرانی بزرگ همچون نزار قبانی نیز خود نمایی بیشتری می کند . نزار قبانی با اینکه زن داشت متاهل بود ولی به علت اتفاقات عمیق درونی با همسر اولش (زهرا از قبیله آل بیهم دمشق) همیشه در اشعارش عشق بی پایان خود را به یک زن آرمانی ابراز می کرد . البته شایان ذکر است که مشاهده ی مظلومیت زن به عنوان جنس دوم در جامعه ی عرب نیز عشق او را به این جماعت مظلوم بیشتر و بیشتر می کرد و زبان او را به ستایش زنان و ابراز عشق به آنان بیشتر می نمود . لذا عشق به زن و معشوقه ی زمینی در اشعار نزار قبانی آنچنان عمیق و شدید و گسترده است که او را به یکی از حامیان حقوق زن تبدیل کرده است . شاعران معاصر نیز مانند شاعران کلاسیک و سنتی ادب فارسی و عربی چهره زن و عشق او را در جامعه از نظر دور نکرده اند و نقش معشوقه گری او را تحسین کرده اند ، عشق او را عشقی پاک و اثیری و وجودش را وجودی مقدس دانسته و احساس فراوان با احساس و نغزی را سروده اند . ملک الشعرای بهار بر این باور است که زنان مظهر عشق و مادران نمونه های عاشقی و هیچ کس در عشق با آنان برابری نمی کند . گاه مضامین و درون مایه های اشعار و سروده های شاعران معاصر ایران عرب در مقوله زن به عنوان معشوقه و عشق زمینی کاملا با هم مطابقت داشته و از جهات بسیاری با هم قابل مقایسه اند . همه ی این شاعران عشق زن را عشقی پاک و مقدس دانسته اند . تصاویری که در شعر معاصر ایران و عرب به چشم می خورد مادر بودن و معشوق و زن محبوب است . شاعران معاصر ایران و عرب زن را مایه ی الهام شعری خود قرار داده اند و نقش عشق به زن را در برانگیختن احساسات و تخیلات شاعرانه نقشی مهم و غیر قابل انکار می دانند و به تصویر کشیدن عشق زن را زیبا می دانند از این رو زن از زمان های بسیار دور تا به امروز همواره الهام بخش خاطر شاعران بوده و هست (دیب ، عواضه رضا ، ۱۷۹۸: ۴۷) . زن الهام بخش و به عبارتی خلق کننده آثار هنری در طول قرون و اعصار بوده است . (کاشانی ها ، ۱۳۸۳ : ص ۱۱۶) چشمه های جوشان هنر و اندیشه همواره در اقدام و عمل زن و عشق اوست . (دوبوار ، سیمون ، ۱۳۸۰ : ج ۱ / ۲۲۶) زن قطب اصلی شعر و مایه ی اثر هنری و آفرینش ادبی ست . زن با مهر زندگی می کند ، زن مظهر آرمانی عشق است . چون شعر مدام است و این خلق ، مدام به دست زن صورت می گیرد . بدین معنا که زن نفسا و روحا به مرد حیات می بخشد . زن مرد را به جهان می آورد و به وی جانی تازه و زندگانه ای گسترده عطا می کند . (ستاری ، جلال : ۱۳۷۵) برداشت های شعرای ایران و عرب در خصوص زن و عشق ورزیدن به معشوق متاثر از شرایط اجتماعی و تجربیات فردی و روحیات شخصی می باشد . عشق ، آزادی و انسان گرایی و وطن دوستی مهم ترین بارزه ی شعری شعرای ایرانی ست . بسیاری از بزرگان ادبیات بر این نظر اتفاق دارند که مفهوم عشق به زن در نزد شعرای معاصر ایران و عرب ، مقوله ای شخصی که حاصل زندگی شخصی خود شاعر بوده باشد نیست ، بلکه هر گاه از عشق به زن حرف می زنند ، تبدیل به روحی می شود در کالبد یکایک انسان های معاصر که می خواهند همراه با تحولات سیاسی فرهنگی و اقتصادی ، به درک تازه ای زن و عشق به او برسند . آنان عشق به معشوق زمینی را به صورت پدیده ای خارق العاده و چیزی شبیه معجزه وصف می کند که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ناممکن را ممکن می سازد و هر دو برای خود در عشق رسالتی قائل هستند که خود ، دستورات و احکام آن را نوشته اند و عشق را امری حتمی و غیر اکتسابی می دانند که بی شک در زندگی انسان ها به وقوع می پیوندد و بدون هیچ مقدمه ای وارد زندگی افراد می شود . عشق به زن از دیدگاه آنها لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی ست ، همچنین احساس عمیق ، علاقه ای لطیف و یا جاذبه ای شدید است که محدودیتی در کیفیت و کمیت آن وجود ندارد و می تواند در جلوه ای از زن ظهور کند . گاهی عشق بیش از حد به زن می تواند شکلی تند و سخت و غیر عادی به خود بگیرد که گاه زیان آور و خطرناک است و گاه موجب احساس شادی و خوشبختی می شود. در دوره ی شعر معاصر ایران و عرب به مدد شاعران آزاد اندیش ، نو اندیش و پر توانی نظیر ژاله قائم مقامی ، فروغ فرخزاد ، احمد شاملو ، غاده السمان ، نزار قبانی ، بدر الشاکر السیاب و ... نگرش و دید تازه ای نسبت به زن به وجود آمد که در سایه ی آن به شخصیت طبیعی و معمولی زن ایرانی و عرب جان دوباره ای بخشیده شد و هویت فردیت مستقلی به زن داده شد . که تا به امروز فاقد آن بوده است . در شعر امروز ایران و عرب چهره ی انسان تری از زن ترسیم می شود و تا حدودی تصویر واقعی تری از زن ارائه می شود . اما باز بسامدهایی از همان تصویر کهن در شعر معاصر نیز نمود می یابد و همان بی انصافی ها و بیداد ها ، ستم ها در حق او مشاهده می شود و باز هم گاه طرح های سایه ای و نقش های حاشیه ای و کلیشه ای از زن به چشم می خورد . در مورد بسیاری نگرش شاعران معاصر به زن از همان ذهنیت سنتی و مرد سالارانه ای سر چشمه می گیرد که زن را به عنوان جنس دوم و معشوق و ابزار لذت یکسویه ی مرد بر می شمارد و زن را در همان مناسبات قدیمی و سنتی قرار می دهد و هیچ نقش فعالی برای او متصور نمی شود . بر این اساس می توان گفت زن در شعر معاصر ایران و عرب دو نمود مشخص و بارز دارد : یکی طرح و تولید تصاویر نو که تاکنون در شعر ایران و عرب مسبوق به هیچ سابقه ای نبوده و متاثر از تحولات جامعه در قرن حاضر و تاثیر آن در شعر بوده و در واقع از تغییر نگرش نسبی شاعران معاصر ایران و عرب نشأت می گیرد و شامل موضوعاتی نظیر آزادی ، برابری ، لزوم توجه به تعلیم و تربیت زنان و مشارکت آنان در امور و فعالیت های اجتماعی می گردد و از رشد و بهبود جایگاه اجتماعی زن حکایت دارد و دیگر تلقی مشابه شعر معاصر و کلاسیک ایران و عرب از زن که در واقع ادامه همان موضوعات شعری دوره های پیشین می باشد و مواردی نظیر زن مایه ی الهام شعری ، زن پاره ی دوم ، زن مظهر آفرینش و زایش و ... و در صورت های منفی ، زن مظهر خیانت و بی وفائی و زن مظهر مکر و فریب و ... را در بر می گیرد . (لیدا نامدار ، ۱۳۹۰ ، ص ۶۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع و ماخذ :

- اسکارپیت رویر (۱۳۷۴) جامعه شناسی ادبیات ترجمه مرتضی کتبی ، تهران : سمت
- پور نامداریان ، تقی (۱۳۵۷) تامملی در شعر سهراب سپهری ، انتشارات آبان
- ترابی ، علی اکبر ۱۳۸۲ ، جامعه شناسی ادبیات فارسی ، تبریز ، انتشارات فروزش
- حافظیان ، فیروزه و کاظمی ، محمد کاظم ، (گفتگو) ۱۳۷۹ ، زن در شعر فارسی از گذشته تا حال
- خاقانی ، علی ۱۳۷۶ ، زن از نگاه شاعر ، تهران ، انتشارات ندای فرهنگ
- یوسفی ، غلامحسین ۱۳۶۹ چشمه ی روشن ، انتشارات علمی
- نفیسی ، مجید ۱۳۸۰ چهره زن در شعر احمد شاملو
- آذر باد مهر سپندان ، ۱۳۷۹ ، رهام اشد ، موسسه ی انتشارات فرهر اعتصامی
- ابن طقطقی ، ۱۸۹۴ ، الفخری فی آداب الطائیه و الدول الاسلامیه فی مقوله عشق
- ابن بعید ربه ، شهاب الدین احمد ۱۹۹۹ ، العقد الفرید ، بیروت ، دار و مکتبو الهلال للطباعة و النشر
- دکتر جواد دهقانیان ، ۱۳۹۲ ، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان ، نشریات علمی پژوهشی
- بهار ، ۹۲
- المقدسی ، المهر بن الطاهر ، ۱۹۰۶ ، احسن التقاسیم ، چاپ لیدن
- اجتماعی جندقی ، ۱۳۸۴ ، انتشارات سخن و نگاه
- عبدالباسط عرب یوسف آبادی ۱۳۸۲ ، بررسی جلوه های پایداری در شعر نزار قبانی ، استادیار زبان و ادبیات فارسی
- محمد جواد مهدوی ، ۱۳۷۹ ، نزار قبانی شاعر زن ، استاد یار دانشگاه سمنان
- علی باقر طاهر نیا ۱۳۸۶ ، بررسی سیمالوژی مضمون عشق و زن در اشعار نزار قبانی
- فروغ فرخزاد ۱۳۸۴ ، شعر زمان ما ، تهران ، انتشارات نگاه
- غلامحسین یوسفی ۱۳۶۸ ، من و شعر نزار قبانی ، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- شفیعی کدکنی محمد رضا ، ۱۳۸۰ ، شعر معاصر عرب ، تهران ، انتشارات ایران

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

یزدانی زینب ، ۱۳۸۹ ، زن و شعر

نامدار لیدا ، ۱۳۹۰ ، بررسی زن در شعر ایران و عرب

یثربی یحیی ، ۱۳۹۰ ، عشق در عرفان اسلامی

مختاری محمد ، ۱۳۸۹ ، انسان در شعر معاصر

قبنانی نزار ، ۱۹۹۰ ، لعبت باتقان و هامی مفاتحی

فرخزاد پوران ، ۱۳۸۰ ، نیمه های ناتمام

شالچی ، مجید ، ۱۳۸۸ ، هویت زن از دیدگاه جوامع بین الملل

شهریار محمد حسین ، ۱۳۸۳ ، دیوان اشعار نشر نگاه

ستاری جلال ، ۱۳۷۵ ، سیمای زن در فرهنگ ایران

سپهری سهراب ، ۱۳۶۸ ، هشت کتاب انتشارات طهموری

زرین کوب ، عبدالحسین ، ۱۳۵۵ ، شعر بی فروغ شعر بی نقاب

دوبوار ، سیمون ، ۱۳۸۰ ، ترجمه قاسم صفوی انتشارات طوس

دانشور سیمین ، ۱۳۷۵ ، شناخت و تحسین هنر انتشارات کتاب سیمین

دیب عوضه رضا ، ۱۹۹۹ ، المراه فی شعر عمر بن ابی ربیعہ ، عمر ابو ریشہ و نزار قبنانی ، بیروت رشاد برس ، چاپ اول

جوادی حسن ، ۱۳۶۹ ، نگاهی به زن در ادبیات فارسی

ملک الشعراء بهار ، ۱۳۸۰ ، دیوان اشعار

اسوار موسی ، ۱۳۸۱ ، پیشگامان شعر امروز عرب ، انتشارات سخن

اخوان ثالث مهدی ، ۱۳۶۹ ، زمستان

اسوار موسی ، ۱۳۸۱ ، تا سبز شوم از عشق ، انتشارات سخن

آرین پور یحیی ، ۱۳۸۲ ، از صبا تا روزگار ما ، تهران نشر زوار

آزند یعقوب ، ۱۳۸۳ ، انواع ادبی در ایران امروز ، نشر قطره

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

احمدی پگاه ، ۱۳۸۹ ، شعر زن از آغاز تا امروز ، نشر چشمه

ابوریشه عمر ، ۱۹۷۱ ، دیوان بیروت ، دار العوده ، چاپ اول

صدای پای سهراب ۱۳۸۶ انتشارات نامک